

علی برزگر

مرکز سیاست علمی و پژوهشی



شناخت مورد نظر است: 1) تشریح پدیده های طبیعی بر پایه مشاهده و تجربه 2) توضیح چگونگی بوجود آمدن این پدیده ها و روابط میان آنها و 3) پیش بینی پدیده های طبیعی بر پایه قوانین نظریه های عمومی. در این چهارچوب واژه طبیعت را به معنای جامع آن بکار می گیریم که جماد، گیاه و جانوران (از جمله آدمیان) را دربر می گیرد. بنابراین در رابطه میان طبیعت نیز نه تنها زمینه های فیزیکی و زیستی بلکه بعدهای

برای تعریف سیاست علمی نخست باید معنی دو واژه «علم» و «سیاست» را روشن کرد. اما باید یادآور شویم که مراد درگیر شدن با معنی واژه ها نیست، بلکه به وجود آوردن تعریف کاربردی مشخصی است که بتواند به عنوان یک چهارچوب ما را در شناخت مفهوم سیاست علمی و ابعاد آن یاری دهد.

نخست به تعریف واژه علم می پردازیم. علم عبارت است از فرآیند شناخت طبیعت: در این فرآیند سه گونه

اجتماعی و روانی نیز مورد توجه است. چنین است که زیست‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد و دیگر رشته‌ها که موضوع آنها جهان فیزیکی نیست نیز در حیطه علم قرار می‌گیرند.

هر پژوهش علمی معمولاً با تکیه بر نوعی فرضیه یا نظریه در مورد شرایط و روابط مسلط در میدان مورد مطالعه آغاز می‌شود و بر اساس این فرضیه است که پژوهنده عوامل، اجزاء و شرایطی را که باید مورد بررسی قرار گیرند برگزیند.

فرضیه یا نظریه در همه بررسیها دارای ویژگی‌های یکسانی نیستند. در برخی از موارد ممکن است بسیار پیچیده و دقیق باشند و گاهی هم ممکن است از حد گمان مبهمی فراتر نروند. به هر روی، فرضیه یا نظریه یکی از پایه‌های علم است و بدون آن پژوهش را نمی‌توان آغاز کرد. اما در روند پژوهش، فرضیه‌های نخستین همواره می‌توانند مورد بازبینی قرار گیرند.

اگر فرضیه یا نظریه به تأیید برسد، می‌توان پدیده‌های طبیعی و یا کنش و واکنش میان آنها را پیش‌بینی کرد؛ و

بر پایه پیش‌بینی علمی است که کاربرد علم امکان‌پذیر می‌شود. کاربرد علم می‌تواند به صورت تجویزی برای افراد یا گروهها در زمینه‌های فیزیکی، زیستی، اجتماعی و غیره باشد و یا اینکه شکل تکنولوژی را پیدا کند، یعنی بوجود آوردن روشهایی بر پایه یافته‌های علمی برای گسترش تولید و یا خدمات، و از این روست که تکنولوژی پیوندی ناگسستنی با علم دارد.

البته افزون بر معنا که جنبه دینامیک علم است و اثر علم را در پیوند با مجموعه دانش بشری در یک رشته و یا بطور اعم نیز بکار می‌برند. در پیوند با مفهوم سیاست علمی این واژه هم بر مجموعه دانش بشری و هم بر جنبه دینامیک آن یعنی روش علمی دلالت دارد، چون هم کاربرد علم موجود در زندگی بشری مورد نظر است و هم به گسترش دامنه‌های علم نیاز است.

در اینجا باید به تعریف بخش دیگری از عبارت سیاست علمی یعنی واژه سیاست پردازیم. سیاست عبارت است از اصل یا مجموعه‌ای از اصول که مشخص‌کننده روش یا روشهای کلی

برای عمل در زمینه ای بخصوص و مورد نظر باشد. چون، با توجه به این تعریف سیاست می تواند در مورد یک فرد در موقعیت و زمینه بخصوصی نیز بکار برده شود. باید افزود که مراد ما از سیاست در اینجا سیاست عمومی در زمینه مسائل عمومی است.

بر پایه این تعریفها اکنون به تعریف «سیاست علمی» می پردازیم. سیاست علمی مجموعه ای از اصولی است که مشخص کننده روشهای کلی برای عمل در زمینه زندگی علمی یک جامعه یا یک ملت باشد. اینک باید دید که زندگی علمی که روشهای کلی باید برای آن تدوین شود چه چیزهایی را دربر می گیرد. یا به عبارت روشنتر در چه بخشهایی از زندگی یک جامعه به علم و یا کاربرد آن نیاز دارد. در جهان امروز شاید کمتر بخشی از زندگی یک جامعه باشد که در آن به علم و یا کاربرد آن نیاز نباشد. پس بهتر است بپرسیم که نیاز به علم و یا کاربرد آن در جامعه به چه گونه هایی است؟ در یک دید کلی سه گونه کاربرد علم در جامعه هست که در اینجا به آن خواهیم پرداخت.

یک کاربرد علم، آموزش دانش بشری به افراد جامعه است. یعنی هر یک از افراد جامعه باید اندوخته ای از دانش داشته باشد که از آن برای بهبود زندگی خویش و دیگران بهره جوید. آموزش دانش بشری دربر گیرنده روند و نظام آموزشی است که در همه جوامع به نمادهای گوناگون وجود دارد. گسترش دانش بشری از راه نظام اطلاع رسانی علمی یعنی وسائط ارتباط جمعی (رادیو، تلویزیون و روزنامه ها)، نشریات، کتابها، مراکز اسناد علمی و کتابخانه ها نیز انجام می شود که می توان آنها را در چهارچوب کلی آموزش جامعه قرار داد.

دوم، کاربرد علم در جامعه در تکنولوژی نهفته است یعنی آدمی روشهایی را بوجود آورده است که به یاری آنها بتواند از اصول علمی برای گسترش تولید و خدمات مورد نیاز خویش بهره جوید. تکنولوژی نه تنها ساخت ابزار و روشهای تولید خوراک، پوشاک، مسکن و نیرو را دربر می گیرد، بلکه انواع خدمات مانند ارتباطات، حمل

و نقل، آموزش، بهداشت پزشکی و غیره را نیز شامل می شود.

و سوم، چنانکه گذشت، نیاز به پویایی علم ایجاب می کند تا پژوهش نیز به عنوان بخشی از زندگی علمی یک جامعه شناخته شود. بنابراین روند پژوهش، چه در گسترش مرزهای ناشناخته دانش بشری و چه در کاربرد آن برای تکنولوژی، صنعت و زندگی اجتماعی، بخش مهمی از زندگی علمی جامعه است.

گو اینکه در اینجا زمینه بحث ما هنر نیست، اما بسیاری از آنچه را که امروز صنعت و تکنولوژی می خوانند (مانند اسلحه سازی، پزشکی و یا صنایع گوناگون) در گذشته در زمره هنرها می گذاشته اند. امروز هم در بسیاری از رشته ها مانند موسیقی و یا معماری مرزهای میان هنر، علم و تکنولوژی آن قدر نازک است که نمی توان آنها را به آسانی در یکی یا دیگری قرار داد. البته باید به یاد داشت که این مرزها همه قراردادی اند و نه لزوماً بازتابی از طبیعت نهایی آنها.

در اینجا مفید است که به تفاوت روشن میان علم و سیاست علمی توجه

کنیم. علم می تواند به ما بگوید که چگونه میزان تولید گندم در هکتار را بالا ببریم؛ چگونه نیروی خورشید را مهار کنیم؛ اثرهای روانی-اجتماعی شهرنشینی چیست؛ چه عواملی موجب بروز بیماریهای قلبی مدیران میانسال می شوند و یا تأثیرات اعتقادات مذهبی بر میزان پیروی سیاسی-اجتماعی اعضای یک جامعه چیستند؟ اما علم به خودی خود به ما نمی گوید که آیا بهتر است روی گونه های پربار گندم پژوهش کنیم و یا روی گونه های گل سرخ که در اروپا بازار دارند و با فروش آن می توان گندم را به بهای ارزانتری نسبت به تولید محلی تهیه کرد؛ نمی گوید که آیا باید در زمینه نیروی خورشیدی پژوهش کرد یا نیروی باد، نیروی زمینی یا نیروی اتمی- و یا اینکه شاید در کشوری که این اندازه کانهای گاز طبیعی دارد مقرون به صرفه نیست از منابع جایگزینی نیرو استفاده کرد. کوتاه اینکه نقش سیاست علمی در آن است که تعیین کند که توان علمی و تکنولوژیک جامعه در چه مسیری باید حرکت کند تا نتایج خواسته را به بار آورد. بنابراین سیاست

علمی نخستین مرحله در روند سازندگی اجتماعی است که برنامه گذاران و سیاست گذاران می توانند از آن برای توسعه اجتماعی یاری گیرند.

از یک دیدگاه همه کشورها و جوامع سیاست علمی دارند. چون براینده همه فشارها و نیروها در داخل جامعه بالاخره به نوعی سیاست و تخصیص منابع می انجامد که این غالباً آگاهانه نیست. اما در اینجا مراد از سیاست علمی آن مجموعه سیاستهایی است که آگاهانه و برای رسیدن به هدفهای خاص اجتماعی (به معنی عام) طرح ریزی شده باشد. بنابراین در پس این گونه سیاستها باید تصویری هم درباره چگونگی نظم نوین آینده وجود داشته باشد. اصولاً کار سیاست گذار آن است که با توجه به هدف یا هدفهایی که دارد بگوید چگونه و به چه وسیله ای می خواهد به آن هدفها برسد. اما نوع تصمیمهایی که در مسائل مربوط به سیاست علمی در جامعه ای گرفته می شوند بستگی به ارزشها و آرزوهای قدرتهای مسلط در آن جامعه درباره آینده و اندیشه های آنان در مورد زندگی خوب دارد. از یک دیدگاه

مطلق گرایانه، علم تنها یک وسیله است. علم می تواند آدمی را به سوی زندگی خوب رهنمون شود ولی نمی تواند به او بگوید که زندگی خوب چیست.

این پرسش که زندگی خوب چیست یک پرسش علمی نیست بلکه یک پرسش ارزشی است؛ از این رو در به وجود آوردن سیاست علمی، فرهنگ و نظام ارزشی جامعه باید مورد توجه ویژه قرار گیرند. در این زمینه توجه به مذهب، تاریخ، ادبیات و هنرها و همچنین فرهنگ فیزیکی (اقلیمی) جامعه در تدوین سیاست علمی احتمال موفقیت آن را فزونی می بخشد. زیرا در هر جامعه این عوامل، طبیعت ویژه و مشخصی را طی قرون و اعصار بوجود آورده اند و دارای قدرت انکارناپذیری هستند که مخالفت با آنها به مفهوم تضمین شکست سیاست علمی مربوط خواهد بود از این روست که بجای مخالفت با همه سنتها، سیاست گذاران هم باید به احیای سنتهای پسندیده توجه داشته باشند. اتخاذ این روش نه تنها می تواند از بروز تمایلات افراطی و غیرواقع بینانه در سیاست علمی جلوگیری کند، بلکه موجب

خواهد شد تا کوشش های علمی در مسیر ویژه و اعتدالی تکامل یابد.

بنابراین مراد از تأکید بر اهمیت ویژگی های ملی و فرهنگی در تدوین سیاست های علمی آن نیست که این سیاست مؤید همه مظاهر اجتماعی از جمله عقب ماندگی و فرهنگ عقب ماندگی نیز باشد. در فرهنگ هر جامعه افزون بر عوامل منحنی، عوامل پیشرو نیز وجود دارند. ویژگی دموکراتیک سیاست علمی در تأکید بر جنبه های پیشرو فرهنگ ملی است.

اما تدوین یک سیاست علمی خوب برای یک جامعه و یک کشور کار دشواری است. چون سیاست گذاران نه تنها باید فرزاندانی استوار در فرهنگ و تاریخ جامعه خویش باشند بلکه باید بتوانند سبک بال از سطح درگیری ها، کشمکش ها، نابرداری ها و ناشکیبایی های روزمره فراتر روند و با دانش خود از فراسوی افق های امروز تصویر یا تصویری از فردای ممکن به دست آورند تا از آن بتوانند انگیزه و راهنمایی برای برنامه کار امروز فراهم آورند. این گونه سیاست گذاری نه تنها کار هرکس

نیست، چون افرادی که توانایی انجام آن را داشته باشند اندکند، بلکه اگر هم در جوامع فرزاندانی توانا در سطح سیاست گذاری باشند به خاطر درگیری های روزمره و گرفتاری های زندگی، اندیشه آنان غالباً آن توان پرواز را ندارد.

از آنچه گذشت نباید این شبهه به وجود آید که بر اساس هر نظام ارزشی یک سیاست گذار توانا می تواند یک سیاست علمی به وجود آورد. تدوین سیاست علمی، برنامه ریزی برای آن و کاربرد علم برای گسترش و بهسازی جامعه نیاز به یک نظام عقلایی دارد که با توجه به سرشت خویش مبتنی بر یک رشته ارزشهاست. نخست اینکه شکوفایی علم ریشه در آزادی دارد. در جوامعی که آزادی اندیشه، آزادی بیان و دیگر آزادی ها نباشد شکوفایی علمی امکان پذیر نیست.

دوم، جامعه ای که بخواهد از سیاست علمی برخوردار شود، باید بتواند بهترین استعداد های علمی را پرورش دهد. از این رو ملاک های دستیابی و بهره گیری از نظام آموزشی باید استعداد، انضباط و تلاش و کوشش افراد باشد. اگر جامعه

ای ملاحظات طبقاتی، قومی، حزبی و یا خویشاوندی را جایگزین این ملاکها کند با محروم کردن خویش از بهترین استعدادها هیچ گاه فرصت آن را نخواهد یافت که دارای یک سیاست علمی باشد.

سوم، چون سیاست علمی، بنا بر تعریف یک مفهوم خردبنیاد است در جامعه ای می تواند کاربرد داشته باشد که یک نظام خردبنیاد کلی حاکم بر جامعه و روابط در آن باشد. اینکه یک نظام خردبنیاد چیست البته بحث مفصلی است. اما در اینجا به طور فشرده و کلی می توان گفت که نظام خردبنیاد آن است که دست کم سود و زیان واقعی خویش را بشناسد و بر مبنای این شناخت تصمیم گیری کند. در جوامعی که پایه تصمیمها ملاحظات احساسی-سیاسی کوتاه برد و یا خرافی است سیاست علمی جایی ندارد.

چهارم، علم را نمی توان بر پایه ایدئولوژی قرار داد چون مایه علم شک است و پایه ایدئولوژی یقین. تجربه هایی از این گونه در روسیه استانیلینی و آلمان هیتلری با ناکامی روبرو گردیده و نه تنها سببایستایی علم شده اند بلکه

مهاجرت دانشمندان با ارزشی را نیز موجب گردیدند.

و بالاخره پنجم، اینکه در هیچ جامعه ای نمی توان سیاست علمی را برای توجیه و یا تحکیم وضع موجود بکار برد. چون در واقع سیاست علمی سیاستگذاری برای تغییر است. سیاستگذاری برای بوجود آوردن فردایی است که اکنون وجود ندارد. اگر آینده بنا بود مانند امروز باشد نیازی به اندیشه برای دگرگون کردن نبود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی